



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



حرم مطهر

امام رضا

در مشهد

نویسنده: محمد علی صبوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حرم مطهر امام رضا در مشهد

نویسنده:

محمد علی صبوری

ناشر چاپی:

بی جا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ حرم مطهر امام رضا در مشهد
۶ مشخصات کتاب
۶ حرم مطهر امام رضا در مشهد
۱۲ پاورقی
۱۳ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حرم مطهر امام رضا در مشهد

مشخصات کتاب

حرم مطهر امام رضا در مشهد، صبوری، محمدعلی. برگرفته از نامه آستان قدس مشخصات نشر: [بی جا]: [بی نا]، انتشارات، ۱۳XX
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص. وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت) شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۹۶۹۲۸

حرم مطهر امام رضا در مشهد

از کتاب پوپ (قسمت ل فصل ۳۹) برای اکثر ایرانیان آستانه حضرت رضا (ع) یا آن مکان مقدس که در شهر مشهد واقع است کانون احترام و مرکز نیایش و ستایش است. این بارگاه برای شیعیان در سرتاسر آسیای غربی واقعی ترین منظره‌ای از بهشت برین را عرضه می‌دارد وسعت و عظمت شکوه و جلال، دست و دل بازی در صرف هزینه‌های سنگین همه از عواملی هستند که این مکان شریف را مورد علاقه و اشتیاق بسیار زائرین قرار داده‌اند. حرم دارای تاریخی طولانی و تأثیر انگیز است و بیوتات و ساختمانهای آن به قدری متعدد و پیچیده است که بررسی نسبت کاملی از آن نیاز به کتابی جداگانه دارد، مضافاً اینکه مطالعه اصولی و منظم درباره‌ی این بنای تاریخی تازه شروع شده است. محصول کار قرنهای بی شمار بر روی هم انباشته شده و بررسی منظم و مبتنی بر روش علمی را دشوار کرده است به طوری که بیش از آنچه بتوان این بنا را متشکل از قسمت‌هایی دانست که به ترتیب در تاریخهای مختلفی ساخته شده باشد باید آن را به صورت یک واحد ساختمانی به شمار آورد که در طول قرن‌ها ادامه یافته است. از امامان شیعه بعد از حضرت علی (ع) امام رضا از گرمترین و شدیدترین هواخواهی برخوردار است. علی بن موسی بن جعفر که نسل هشتم از اولاد رسول اکرم از طرف امام حسین (ع) می‌باشد از جانب پدر زن خویش مأمون به جانشینی او برگزیده شد و لقب الرضا من آل محمد (محبوب خانواده محمد) به او داده شده (نامه‌ی آستان قدس): این نظر پوپ درست نیست زیرا قول بعضی از نویسندگان را حجت گرفته) این نامزدی انگیزه اغتشاش زیادی شد و اندکی بعد زمانی که علی الرضا با مأمون در طوس به سر می‌برد و مشغول بازدید مقبره هارون الرشید پدر مأمون بود، رحلت کرد. به عقیده شیعیان، آن حضرت از طرف دشمنانش که به شهرت و نفوذ او حسد می‌بردند مسموم گردید و بدین ترتیب در عداد شهداء مقدس درآمد. حرم دستخوش تغییرات زیادی واقع شده است. بنابر روی زمینی نرم و رطوبت پذیر بنا شده که از نظر معماری به کلی نامتناسب است و اگر چه در پانزده سال اخیر دفن اموات در این مکان ممنوع گردیده مع الوصف تدفین‌های بی شمار قبل از آن این بنا را تا اندازه‌ای تضعیف و استحکامش را مورد تهدید قرار داده است همچنین زمین لرزه‌های متعدد هم در این ضایعات سهم داشته و نیز دستخوش خرابی و غارت مهاجمین متجاوز قرار گرفته است؛ تجدید بناهای تازه، طرح اصلی را به کلی درهم و برهم کرده است گویا این که به طور کلی تغییرات و خسارات وارده زیر نماهای زیبا پنهان گشته‌اند. تاریخ مفصل و پیچیده آن را فقط زمانی می‌توان تدوین کرد که یک سلسله مطالعات دامنه دار و اندازه گیری‌های دقیق و بسیار زیاد به عمل آید و به موازات آن تحقیقات، مطالعاتی مفصل و دقیق در آثار باقی در خود حرم اجرا گردد وضع حداقل در زمان حال طوری است که مراجعه به کتیبه‌هایی که تواریخ متعددی در آنها ضبط گردیده بر ابهام قضیه افزوده و کار تحقیق و مطالعه را مشکل تر می‌کند و این قبیل کتیبه‌ها بیشتر مربوط به قرون هجده و نوزده میلادی (۱۳ - ۱۲ ه) است که بر طبق سنت مورد قبول و روش معمول، سینه هر کتیبه را مربوط به ساختمان یا اقلاً تجدید ساختمان می‌دانند در حالی که ممکن است این گونه تاریخها فقط مربوط به تجدید کاشی سطح بنا باشد. انجمن آمریکایی مطالعات معماری در هنر و باستان شناسی ایران، یک سلسله مطالعات در دست اقدام دارد و با اتکاء و امید به تکمیل این تحقیقات در این جا یک بررسی اجمالی خالی از فایده نخواهد بود. اصولاً بر طبق قدیمی ترین آثار و مدارک موجود خلیفه هارون الرشید قهرمان افسانه‌های

هزار و یک شب و رضای آل محمد در زیر گنبد دفن شدند ولی این بنا در اوایل قرن نهم به دست سبکتکین بر اثر تعصب شدید به کلی ویران گردید و تنها نشانه این مکان که تقدس و حرمتش دو چندان شده بود خرابه‌ها به جای مانده بود تا این که سلطان محمد اقدام به تجدید ساختمان حرم نمود و آن را با گنبدی رفیع پوشاند. دختر او شاهزاده خانم ترکان زمر در سال ۱۱۱۸. م (۵۱۲ هـ) امر کرد با کاشیهای لعابی حرم را زینت دادند. سال قبل از این تاریخ به دنبال این اغتشاش محلی شهر در اشغال شورشیان در آمده و خرابی‌هایی به بار آمده بود. شاید اگر شاهزاده خانم زودتر اقدام کرده بود آن کاشی‌ها بر اثر اغتشاشی که در آن زمان به وقوع پیوست خسارت قابل توجهی می‌دید. بعد این بنادر حمله‌ی غز در سال ۱۱۵۳. م (۵۴۸ هـ) شدیداً خسارت دید ولی از آنجا که قسمتی از کاشیهای لعابدار زمان شاهزاده خانم ترکان زمر هنوز به جای مانده می‌توان نتیجه گرفت که ساختمان در آن حمله به کلی از بین نرفته بوده است. تنها اثری که از ساختمان حرم در آن زمان باقی مانده سنگی است در یک شاه نشین کوچک (یا رواق) در قسمت جنوب غربی حرم که دارای نام شاه محمد؟ پسر مسعود (نامه‌ی آستان قدس: شاید برادر او) و تاریخ ۱۱۸۱. م (۵۷۷ هـ) می‌باشد. کمی بعد به امر سلطان سنجر یا شاید به فرمان پسرش با نظارت مردی مقتدر از اهالی قم به نام شرف‌الدین ابوطاهر اقدام به تجدید بنا گردید. گویا در آغاز قرن سیزدهم در تزئینات ساختمانی حرم تغییرات دامنه داری داده شده است زیرا سه محراب پایه و کتیبه که همه از کاشی‌های لعابدار زرد پر رنگ پوشیده شده‌اند از آن دوره با تاریخ، باقی مانده است. در زمانی که مشهد از طرف تولی خان، پسر چنگیز خان مورد غارت و خرابی قرار گرفت حتما حرم هم دستخوش خسارات فراوان شده است با وجود این تزئینات فوق‌الذکر به وضع نسبت خوبی باقی مانده است. شاید کسی که بعداً یک سلسله اصلاحات و تعمیرات را عهده دار شده سلطان الجایتو خدا بنده باشد. درست در پشت زاویه‌ی شمالی حرم چهار چوبی است که سنه‌ی ۱۳۳۵. م (۷۵۳ هـ) بر روی آن حک شده و باز زمانی بعد یعنی در قرن چهاردهم لاقلاً پاره‌ای تعمیرات و تزئینات به عمل آمده چون که در حرم حضرت چندین کتیبه کاشی به تاریخ ۱۳۵۹. م (۷۶۰ هـ) موجود است. گفته می‌شود که در ساختمان گنبد رفیع حرم نیز از کار الجایتو تاریخی بی‌جاست. در نیمه‌ی قرن چهاردهم زمانی که ابن بطوطه از حرم زیارت می‌کرده است قبر در زیر گنبدی با عظمت قرار داشت که به طرز باشکوهی ساخته شده بود و قبر هارون که اکنون زمانی بس دراز از امحاء آن می‌گذرد در آن هنگام وسیله سکویی که روی آن شمعدانهایی گذاشته بودند مشخص گردیده بود. در آن حوالی مدرسه‌ای و مسجدی نیز بود و هر سه بنا با کاشیهای ساخت کاشان تزئین گردیده بود. کمک عمده و بزرگ تیموریان احداث مسجد گوهرشاد بود که قانوناً و شرعاً از آن جدا ولی عملاً جزئی از دستگاههای پیچیده و ساختمانهای متعدد حرم است. در عین حال خود حرم نیز از سخاوت گوهرشاد برخوردار بود چه او اقدام به ساختمان دار الحفاظ (و دار السیاده نمود. اولی فضای مستطیلی است که مستقیماً در طرف جنوب غربی حرم قرار دارد در حالی که دار السیاده از طرف شمال غربی به آن وصل می‌شود. دار السیاده شامل یک رواق مربع شکل است با یک سلسله قسمت‌های الحاقی منظم از همه طرف، که سه تایی آنها به صورت درهای بزرگی است و یکی که در قسمت جنوب غربی قرار دارد به مسجد گوهرشاد باز می‌شود. این هر دو رواق در قرون اخیر با آینه کاری تغییر تزئین یافته است، دار الحفاظ در زمان سلطنت نادرشاه و دار السیاده با آینه کاری عالی و ظریف در زمان سلطنت ناصرالدین شاه در سالهای ۱۸۵۵. م (۱۲۷۱ هـ) و ۱۸۸۳. م (۱۳۰۰ هـ). اکنون این دو بنای یادگار گوهرشاد وسیله یک در نقره‌ای هدیه حاکم زمان ناصرالدین شاه به هم متصل شده‌اند و بین دار السیاده و مسجد گوهرشاد در نقره‌ای دیگری است که تاریخ ساختن آن ۱۸۶۷. م (۱۲۸۴ هـ) می‌باشد. در سال ۱۴۱۸. م یا ۱۴۱۹. م (۸۲۱ - ۲ هـ) شاهرخ یک قنديل طلای یک پارچه به وزن و ارزشی فوق‌العاده به منظور آویزان کردن در حرم مطهر اهدا نمود. مدرسه دو در از نیمه پانزدهم تاریخ دارد و قسمت جنوب غربی صحن کهنه (تصویر ۴۲) از جمله ایوان قبله در اواخر قرن پانزدهم وسیله علی شیر وزیر سلطان حسین بایقرا ساخته شد و از آن زمان به بعد ساختمان آن به میزان زیاد و تزئینات آن به طور کلی تجدید گردید است. تنها ساختمانی از اوایل عهد صفویه که تا به حال نشانه‌ای از آن به دست آمده است رواق

کوچکی است که شامل یک حجم پیچیده و در هم مرکب از ساختمانهای کوچک درست در شرق حرم که وسیله شاه طهماسب ساخته شده وی همین طور بر فراز گنبد یک میله طلایی برافراشت و نیز گنبد را با پوششی از طلا پوشانید ولی در تاخت و تازی که منشأ آن از بلخ بود و در سال ۱۵۸۷. م (۹۹۶. ه) اتفاق افتاد تمام اینها به یغما رفت. طهماسب مناره سمت شمالی شرق صحن را نیز ساخت ولی هنگامی که مناره‌ی دیگری که جزو این مجموعه بناها است در پشت قسمت جنوب غربی وسیله‌ی نادرشاه ساخته شد آن مناره نیز ناگزیر تجدید بنا گردید (هر چند مسلم است که به شکل اصلی و اولیه‌اش درآمد). هر دو مناره اکنون با پوششی زیبا از یک ورقه‌ی ضخیم طلا پوشانیده شده است. شاه عباس در سال ۱۵۹۷. م (۱۰۰۶. ه) زمان امور شهر را در دست گرفت و در سال ۱۶۰۱. م (۱۰۱۰. ه) دستور به تجدید تزئین ساختمان حرم از جمله تجدید تزئین گنبد حرم که در سال ۱۶۰۶. م (۱۰۱۵. ه) به اتمام رسید داد و همین طور امر به تکمیل ساختمان صحن کهنه کرد. در داخل مدخل این صحن از طرف بالا خیابان در کتیبه‌ای سنه‌ی ۱۶۰۳. م (۱۰۱۲. ه) و نامهای دو نفر کاشی سازی خوشنویس: مهری و عبدالرحیم وجود دارد. «الله وردی خان» والی فارس در زمان سلطنت شاه عباس اقدام به ساختمان یک ایوان و گنبد باشکوه نمود که به سمت جنوب غربی ایوان علی شیر باز می‌شود و سردار شاه عباس، الله قلی خان اقدام به تعمیر بالا سر نمود و در رو کار ایوان «الله وردی خان» سنه‌ی ۱۶۱۲. م (۱۰۲۱. ه) ثبت گردیده است. بلافاصله در پایین مقبره حاتم خان قرار دارد. این مرد در سال ۱۵۹۱. م (۹۹۹. ه) به وزارت شاه عباس منصوب گردید و در ماه مه سال ۱۶۱۰) ربیع الاول ۱۰۱۹. ه) وفات یافت. بر طبق کتیبه‌ی ایوان جنوب غربی در سال ۱۶۸۰. م (۱۰۹۱. ه) مدرسه‌ای در سوی شمالی صحن کهنه ساخته شد. هنگامی که شاردن در ایران بوده است شاه سلیمان سرگرم تجدید طلا کاری گنبد بود که عملاً از ورقه‌های مس که از قشر ضخیم طلا پوشانده بود استفاده می‌شد و زرگر دربار در این کار نظارت داشت. شاردن شخصا او را ملاقات و کار را که در جریان بوده است از نزدیک مشاهده می‌نماید. در طی قرون هجدهم و نوزدهم تعمیرات و تجدید ساختمان و تزئینات فراوانی به عمل آمد که مهمترین آنها تجدید تزئین ایوان علی شیر نوایی به وسیله نادرشاه و ساختمان ایوان طلای صحن نو به وسیله فتح علی شاه بود. اقدام نادر در ایوان صحن کهنه در کتیبه‌ای از کاشی‌های معرق با خطوط زرین درشت نستعلیق روی زمینه‌ای آبی به یادگار مانده که علاوه بر اسم شاه و تاریخ ۱۷۳۲. م (۱۱۴۵. ه) نام کاشی ساز محمد طاهر بن میرزا مسیح شیرازی و خوشنویس ها: محمدعلی رضوی و علی بن سلیمان رضوی که گویا از مریدان (علی رضا عباسی بزرگ) بوده‌اند را نیز به دست می‌دهد. دری که به سوی پائین خیابان باز می‌شود در سال ۱۶۷۴. م (۱۰۸۵. ه) از طرف شاه سلطان حسین تجدید تزئین شد و حاوی کتیبه‌ای است به خط محمدرضا الامامی و سال بعد همین پادشاه بعد از یک زمین لرزه اقدام به تعمیر گنبد حرم مطهر کرد. ایوان فتح علی شاه در سال ۱۸۴۶. م (۱۲۶۲. ه) وسیله ناصرالدین شاه تعمیر شد و هم‌اقدام به ساختمان یک باب کاروانسرا در شمال غرب مسجد گوهرشاد نمود. یکی از پسران فتح علی شاه به نام علی نقی میرزا اقدام به بنا یا شاید تجدید بنای یک باب مدرسه بین صحن نو و صحن مسجد گوهرشاد نمود. شاید در جهان هیچ گروه ساختمانی دیگری نباشد که تا این پایه از نظر ثروت و تمؤل روی بیننده اثر بگذارد. یک گنبد طلا، دو مناره طلا، دو ایوان طلای با عظمت، درهای نقره و مطلای عظیم و سنگین که به تعدادی رواق مقدس گشوده می‌شود همه شرف و تقدس وصف ناپذیر حرم را تأیید می‌کند. حتی سه صحن بزرگ که چند صحن کوچکتر در توسعه و تقویت آنها اثر گذاشته در این امر مؤثرند از آن جمله است صحن مسجد گوهرشاد که از نظر اداره تابع آستانه نیست ولی داخل در این حصار مقدس و یک جزء اصلی از این مجموعه است. یک خیابان پهن با عظمت و از شمال غربی و جنوب غربی به حرم منتهی می‌شود. این خیابان سلطنتی که یک جوی آب جاری عمیق با سرعتی زیاد آن را به دو نیمه تقسیم می‌کند وسیله شاه عباس اول احداث شد، جوی از اولین صحن بزرگ یعنی صحن قدیم می‌گذرد و در هر یک از دو انتهای این صحن از زیر سر در بزرگی عبور می‌کند که از سر درهای مسجد شاه ارتفاع، پهنای قطر بیشتری دارند. در داخل هر یک از این سر درها که ایوان مرکزی آن قسمت از صحن را تشکیل می‌دهد با همان شگفتی و دست و دل بازی کار شده است. این

مجرای باریک آب از میان این صحن که در حدود ۴۸۰ پا تقریباً ۱۴۶ متر) طول آن است به طرف یک منبع هشت ضلعی با پایه‌های طلا امتداد می‌یابد که به وسیله حوضچه‌هایی برای شست و شو وضو احاطه شده است. در طرف قبله، ایوان طلای خیره کننده‌ای است که در آخر قرن پانزدهم وسیله امیر علی شیر نوایی که مردی شاعر، سیاست پیشه، حامی هنرها و ذاتاً نابغه بود ساخته شده است. ایوان مقابل که هدیه‌ای از شاه عباس دوم است بسته است و این ایوان و دو ایوان دیگر که دارای پشت سر درهای عظیم می‌باشند از کاشی معرق پوشانده شده‌اند و حجره‌های دو طبقه را نیز کاشی کاری کرده‌اند. این ایوان باشکوه که یکی از زیباترین طرحهایی است که در ایران پدید آمده و اگر بر سر در مسجد شاه تفوق نداشته باشد با آن رقابت می‌کند. عناصر تزئینی بنا از نظر میزان محدودند ولی به نحو خوبی با یکدیگر مقابله می‌کنند. حجره‌های دو طبقه داخل ایوان باعث می‌شود که ارتفاع آن بیش از آنچه واقعا هست به چشم آید در صورتی که عمق تنگه‌ها و مقرنسها از ارتفاع آن می‌کاهد و در عین حال احساس ثبات و استحکام را می‌افزاید. اگر مقرنسها که در چنان ارتفاعی به صورت هلال درآمده از نوارهای باریکی تشکیل شده بود تا اندازه‌ای ناپایدار می‌بود. تمام ایوان یک نمونه قابل توجه از یک طرح خوب است و از بهترین و آخرین مظاهر گویای یکی از عوامل اصلی معماری ایرانی است. اگر چه تمام افتخار بنای این ایوان را فعلاً به شاه عباس دوم که مسلماً بیشتر تنگه‌های کاشی منتسب به اوست، تفویض می‌کنند ولی یک مقدار از خصوصیات آن را می‌توان به خوبی مربوط به زمان شاه طهماسب دانست که مناره طلا را که درست پشت این ایوان قرار دارد، ساخت. کتیبه‌ای که مشعر بر ساختن ایوان از طرف شاه عباس دوم است به وسیله خوشنویس معروف محمدرضا امامی امضاء شده و دارای تاریخ ۱۶۴۹ م (۱۰۵۹ ه) است و اگر تمام آن مربوط به نیمه‌ی دوم قرن هفدهم باشد باید نظرات و حدسیات خود را درباره ارزش و زندگی هنری آن دوره عوض کنیم. دومین صحن بزرگ، صحن جدید که از نظر وسعت تقریباً با صحن قدیم مساوی است به سوی انتهای جنوب شرقی خیابان باز می‌شود. باز در اینجا هم چشم بیننده به ایوان طلای مجلل و پر خرج آن دوخته می‌شود که در یک حوض بزرگ مرکزی که اطراف آن را سروهایی احاطه کرده است منعکس می‌شود. جلال و عظمت این ایوان‌های طلا خیلی برتر از آن است که به وصف درآید. ساختمان متعلق به قرن پانزدهم از نظر شیوه معماری بهترین سبک معمول در آن دوره را دنبال می‌کند و دارای تنگه‌ها، شاه نشین‌ها، طاقچه‌ها و مقرنسها است. خوشبختانه در ساختمان این صحن، صحن اول را نمونه قرار داده‌اند و در نتیجه از پاره‌ای مزایای هنری غیر معمول در آن زمان برخوردار است. هر یک از حریمهای بزرگ (اردبیل، شاه عبدالعظیم، قم، کاظمین، نجف، کربلا) را یک گنبد طلایی می‌پوشاند و چشم هیچ از تماشای آنها سیر نمی‌شود و مناره‌های طلا با مقرنس‌های انبوه طلا بر هیجان بیننده می‌افزایند. در حرم امام رضا گنبد و منارها را کتیبه‌هایی در بر گرفته با خطوط سفید روی زمینه لاجوردی پر رنگ که بر شکوه و شگفتی آن می‌افزاید. اما دو ایوان طلا به ارتفاع متجاوز از ۶۰ پا (تقریباً ۱۸ متر) از آن هم شگفتی آورتر و خیره کننده تر است وجود حاشیه‌ای در سر در از کاشی‌های معرق شفاف و رنگ‌هایی که به نحو کاملاً مطلوبی با یکدیگر تفاوت و تضاد دارند و نرمش فوق العاده داخل ایوان با تورفتگی‌های عمیق و مقرنس‌های خوشه مانند با سایه‌های عمیقی که ایجاد می‌کنند درخشش فلزی را تلطیف می‌نمایند، همه مانع شده است که گسترش و فراوانی طلا در ایوان صحن قدیم آن را یک نواخت و احیاناً کم ارزش جلوه دهد. به اضافه طرحهای هندسی برجسته، دایره‌های متداخل، طرحهای ستاره‌ای و بعلاوه شکل و هلالی و نقوش گوناگون بر ارزش آن می‌افزاید وجود یک کتیبه افقی روی زمینه آبی لاجوردی و ستون بلندی از مرمر تیره رنگ به ارزش و زیبایی آن افزوده است. در ایوان اطالی بعدی ابتکارهای کمی به کار رفته ولی همه تغییراتی که داده شده قابل قبول است. یک ردیف تنگه‌های کاشی آن را به تعدادی سطوح مستوی تقسیم می‌کند و برای نگهداری بندهایی که بین آجرهای طلایی وجود دارد بست‌هایی تعبیه کرده‌اند. این روزنه‌ها در ضمن فضای زیر گنبد را روشن می‌کند که در غیر این صورت سایه سنگینی داشت. یک قالی مشهدی به رنگ قرمز تیره و از عالی ترین نوع آن که جلوی در ورودی آویزان است آخرین منظره‌ای است که توجه بیننده را به جلال و ثروت جلب می‌کند. در وسط صحن حوضی بزرگ است

که حاشیه آن را گل احاطه کرده و درختهای کاج سبز تیره [این درختها بعد قطع شده است]. مانند یک چهارچوب اطراف آن را فراگرفته، این حوض مرکزی آن توده شفاف طلائی و آبی را در سطح آرام خود منعکس می‌کند و چنان منظره باشکوهی درست می‌کند که هر کس برای اولین بار ببیند بی اختیار از خود می‌پرسد آیا این یک منظره واقعی است یا یک چشمه عالی از تردستی شرقی است که قریباً محو و ناپدید خواهد شد.؟ به طوری که در مقام مقایسه رویای سن برنارد از بیت المقدس طلائی [۱] در برابر آن جلوه‌ای ندارد. سه ایوان دیگر به فرمان فتحعلی شاه ساخته شدند ولی مسلم است طاق‌های آنها بعدها فرو ریختند و باز به نحوی کم خرج که نمی‌توان گفت به صورتی بی ارزش بنای آنها تجدید گردید. در این تجدید بنا شکلها تغییر یافت به طوری که حالا طاق‌ها خیلی پائین تر قرار دارد و مقرنسها به صورت نوارهای باریکی در آمده است. رو کار دیوارها ظاهراً به صورت کاشی معرق جلوه می‌کند در صورتی که حتی کاشی رنگ شده هم نیست بلکه فقط گچ است که روی آن را به تقلید از معرق کاری رنگ کرده‌اند. این نکته در طرف دیگر صحن چندان قابل توجه نیست در حالی که در خود ایوانها این وضع تأثیر نامطلوبی دارد. عبور از داخل یک صحن چهار گوشه فرعی واقع در گوشه‌ی غربی صحن جدید و یک راه رو سایه دار، که به منزله استراحتی برای چشمهای بهت زده است شخص را آماده تماشای آخرین شکوه یعنی مسجد گوهرشاد می‌سازد. در این جا بدون استفاده از طلا با استخدام نبوغ کاشیهایی از نوع عالی با رنگ خوب، خالص، موج و هم آهنگ آن طور که در هیچ جای دیگر نظیرش دیده نخواهد شد. به کار رفته است وقتی پای مقایسه به میان می‌آید در مقابل جلوه مسجد گوهرشاد حتی ایوانهای طلا و سر درهای رفیع و عظیم شاه عباس یک مقدار از رونق خود را از دست می‌دهد. به زحمت می‌توان پذیرفت که یک چنین پیوستگی اثر گذارنده‌ای از صحن‌ها که هر یک خصوصیات عجیب و منحصر به خود دارد در جای دیگر پدید آمده باشد و با وجود این اینها اجزاء و عناصر مرکزی آنچه در واقع یک شهر مقدس به شمار می‌آید، هستند. هر سه ایوان دارای درهای عالی است که به ساختمانی دیگری باز می‌شود کتابخانه‌ها، نمازخانه، کاروانسراها و مدرسه‌های کوچک و آن سوی اینها بازارها و خانه‌های مسکونی قرار دارد از همه اینها جالب تر مدرسه دو در است. صحن این مدرسه نسبتاً ساده است. ترکیب دو ایوان با دو سر در که به سایر قسمت‌های متعلق به حرم منتهی می‌شود اثر چهار ایوان را به دست می‌دهد. ایوان جنوب غربی که ایوانی رفیع و عمیق است با یک کتیبه گچبری تزئین شده که تاریخ ۱۴۳۹. م (۸۴۳. ه) دارد. دو محراب داخلی با گنبدی رفیع به سبک تیموری و حاوی کتیبه‌ای به شعر می‌باشد. حرم مطهر در وسط این مجموعه از بناها قرار دارد و صحن‌ها رواق‌ها و نمازخانه و مساجد متعدد با زیبایی فوق العاده و احساس انگیزی که دارند به شکوه و زیبایی آن می‌افزایند. این زیبایی خیره کننده یک مقدار هم نتیجه پیچیدگی طرح است. آرامگاه حضرت رضا (ع) در زیر گنبدی طلائی قرار دارد که کمربندی از خطوط طلا استوانه آن را احاطه کرده است. حرم کرارا مورد بحث قرار گرفته است و چون بنا و تزئین آن بارها تجدید شده، به کیفیت و وحدت معماری آن آسیب رسیده است. با توجه دقیق به قطر دیوارها همان طور که در بعضی طرحها نشان داده شده است احساس می‌شود که بخش زیادی از این قسمت از حرم باید خیلی قدیمی تر باشد ولی با معاینه سطحی و نظر اجمالی چنین احساسی حاصل نمی‌گردد زیرا تعمیرات و مرمت‌هایی که طبق معمول به عمل آمده تمام آثار ساختمان اصلی را مخفی کرده است. در نقره‌اهدایی نادرشاه در سال ۱۷۴۲. م (۱۱۵۵. ه) به کفش‌کن باز می‌شود و در طرف مقابل، این در قرینه شده است با دری دیگر از طلا و جواهرات هدیه فتحعلی شاه و به همین ترتیب در سومی وجود دارد که به آن آب طلا داده‌اند. در حرم ردیفهایی از ستونهای کاشی پر رنگ وجود دارد که بسیاری از آنها دارای تاریخ ۱۲۱۵. م (۶۱۲. ه) است و کتیبه‌ای دارد که آنها را به کاشی ساز کاشانی علی بن محمد ابو زید نسبت می‌دهند و برادر همین ابو زید بن محمد ابو زید در همان سال یکی از محراب‌ها را کاشی کاری کرد. این آجرهای کاشی وضع تقریباً کاملی دارند به طوری که این ستون با تزئین کامل یک اثر برجسته را به وجود آورده است. در بالای آن یک کتیبه تزئینی عریض ساخته‌اند که آن نیز از کاشی‌های لعابی به رنگ زرد پر رنگ است و نوشته‌ای دارد به خط نسخ و به رنگ آبی با طرحهای عالی و ظریف هندسی و گل و گیاه به رنگ سفید

روی زمینه طلائی که تزئینات برگ مانند ریزتری به زیبایی آن افزوده است. اینها کار یک خانواده معروف تر کاشان یعنی اولاد هبه الله الحسینی مخصوصاً نسل ششم او محمد بن ابی طاهر بن ابی حسن است که ظاهراً کاشی کاری با کمک و همکاری پسرش به عمل آمده که عهده دار یکی دیگر از محراب‌های کاشی لعابی اینجا بوده است. محراب سومی هم هست که ظاهراً نه اسم دارد نه تاریخ. از نظر تاریخی مهم تر از ازاره و کتیبه، نوشته کم عرضی است پوشیده از لعاب که از بین هر دوی آنها می‌گذرد و از بقایای کاشی کاریهایی است که به دستور دختر سلطان محمد در زمان سلطنت او به عمل آمده ۱۱۱۸ م (۵۱۲ هـ). در این کتیبه نام پدر بزرگ شخصی که کتیبه را ساخته یعنی ابوالحسن بن محمد بن یحیی بن هبه الله الحسینی ضبط است. درست در پائین گنبد کتیبه‌ای وجود دارد با نام علی رضا خوشنویس برگ دوره‌ی شاه عباس و او همان شخصی است که کتیبه‌های مسجد شاه و شیخ لطف الله اصفهان را هم نوشته است. دیوارهای بالا- و سقف مزین است با بر گهای طلائی در مقابل زمینه مایل به سیاه که به امر ناصرالدین شاه ساخته شده و کار میرزا صادق قائم مقام نوری است و به زحمت می‌توان قبول کرد که با کتیبه و ازاره زیر آن تناسب دارد. کف آن از کاشیهای سبز فیروزه‌ای پوشیده شده که بر جلوه ازاره می‌افزاید. برای شرح سایر رواقها باید منتظر تحقیقات منظم و اصولی تر شد ولی دو رواق از بقیه بیشتر قابل توجه است به طوری که فعلاً هم نمی‌توان از آنها چشم پوشید. الله وردی خان از صاحب منصبان مورد علاقه شاه عباس که اقدام به ساختن پل با شکوهی در اصفهان کرد، عهده دار ساختن گنبدی گردید که از نظر زیبایی با بنای مقدس دیگر همزمان خود یعنی مسجد شیخ لطف الله رقابت می‌کند. شکل نرم قدرت آن را زیاده‌تر کرده و گنبد هشت ضلعی و تورفتگی‌های عمیق با مقرنس‌های انبوه و پرکار با نوری که از بالا می‌گیرد بیشتر جالب توجه شده است. این گنبد در حدود ۷۰ پا (۲۱ متر) ارتفاع و کمی بیشتر از ۶۳ پا (۱۱/۱۰ متر) قطر دارد. هر یک از هشت ضلع شامل دو طبقه طاقچه است که ارتفاع طاقچه‌های پائین به نحو قابل ملاحظه‌ای از ارتفاع ردیف بالا بیشتر است و سقف‌های مقرنس و پیشانی‌های طاق‌های بالایی شامل یک شبکه از منافذی است که برای نور تعبیه شده ضمناً مرحله تغییر گنبد را تشکیل می‌دهند. استوانه گنبد دارای سوراخهای کوچک طاق ماندی است که شکل طاقچه‌های اصلی در آن تکرار می‌شود و خود گنبد پوشیده شده است از یک انبوه گنج گنبد از مقرنسه‌ها. یک یک چنین سطح کاملاً نرم با خطوط و تقسیمات دقیق و درخشندگی هایش تا اندازه‌ای به بزرگی ظاهری گنبد و تا مقدار زیادی به هیجان آن می‌افزاید. شبستان به اندازه کافی مجلل و زیباست ولی سایبان بالاسر شکوه خیره کننده‌ای دارد. کف آن از کاشی‌های فیروزه‌ای ساده پوشیده شده که با مرمرهای زرد رنگ حاشیه تضاد رنگی آشکاری دارد و بالاتر از آن تمام سطح از کاشی‌های معرق پوشیده شده به جز حاشیه ایوان طبقه دوم. داخل طاقچه‌های بالا از کاشیهایی به شکل ستاره و کثیر الاضلاع مثل کاشیهای مصلاهی خواجه ربیع پوشانده شده است به طور کلی وضع و کیفیت نما مخصوصاً در قسمتهای بالا به نحو قابل ملاحظه‌ای از لحاظ هنری پائین تر از نمای مسجد شیخ لطف الله است ولی طرحها شامل تمام جزئیات تزئینی آن زمان از جمله کتیبه‌هایی به خط خوشنویسان شهیر می‌باشد. طراحان با رسم تعدادی متنابهی تصاویر حیوانات از قبیل مرغابی، طاووس و پرندگان دیگر بی توجهی نسبت عجیبی به تعصبات مذهبی نشان داده‌اند و در سقفهای آن اژدها و عنقا که در حال جنگند و تقریباً عین آنچه در درب امام اصفهان است، در اینجا مشاهده می‌شود. درباره مزایای نسبی دو بنای هم طراز، مسجد الله وردی خان و مسجد شیخ لطف الله نظرات متفاوتی می‌تواند وجود داشته باشد اولی از شکوه هم آهنگی و تناسب کامل برخوردار است و تمام سنن متداول و قبول شده آن زمان در معماری مجلل و پر خرج آن رعایت شده تا این که از نظر تنوع و استغنا به صورت دشواری جلوه می‌کند. فضا شدیداً محدود گردیده و فشرده و متراکم است هر زاویه و هر پیچ خم بر موقعیت آن می‌افزاید و همه به سوی یک مرکز متوجه می‌شود که بی اختیار نهایت اعجاب و احترام هر بیننده را بر می‌انگیزاند چنان که هر کس از مشاهده آن احساس می‌کند که گویی در دنیایی از شکوه محبوس شده است، شکوه سنگین و اشباع شده‌ای که در حقیقت دنیای واقعیات متداول را مجبور می‌کند که دور و کوچک و به نحو عجیبی غیرواقعی به نظر رسد ولی تا اندازه زیادی بی روح است. از طرف دیگر مسجد شیخ لطف الله نه

تنها از نظر ظاهری بزرگتر است بلکه از نظر فن زیبایی شناسی رساتر و راحت تر می‌باشد. فضا با سخاوتمندی بیشتری توأم است، نور روشن تر و مجموع احساس حاصله در سطحی بالاتر می‌باشد. از نظر فن معماری هم انحصاری تر و منفرد تر بوده و با الهام و ابتکار بیشتری توأم است. اصولاً در ورودی بنای الله وردی خان از طریق یک ایوان بلند است که با کاشی معرق و تنک‌ها و مقرنسها تزئین یافته. این ایوان باز می‌شد به آنچه که حالا صحن نو را تشکیل می‌دهد ولی وقتی که به وسیله فتح علی شاه تجدید ساختمان گردید متوجه شدند که راه ورودی ایوان از مسیر تازه سر در دور است و برای پر کردن این شکاف احتیاج به یک مقدار ساختمان دارد شاید این نکته نیز مطلوب به نظر رسید که هرگونه رقابتی را با ایوان طلایی که در آن زمان بنا بود در وسط دیوار شمالی احداث گردد، از بین برد لذا ایوان زیبای الله وردی خان بسته شد به این وسیله که یک راهرو به نام دارالضیافه به صورت ناموزونی با آن منضم گردید که با گچ سفید و آئینه کاری ساخته شد معبری به اطاقی معجزه آسا رفیع عمیق با جلالی پنهانی که مسلم به منزله در خروجی بوده است که به وسیله انحنا با تزئین پر زرق و برق و دارای زیبایی زنانه قرین شد ولی این پیوند نامناسب دلیل یا قرینه است برای اینکه دین داری همیشه هنر معماری را اعتلا نمی‌بخشد. در مدخل در ورودی کتیبه مبهوت کننده‌ای وجود دارد قریب به این مضمون: «این ساختمان نو که با عرش خدا برابری می‌کند کار امیر معمار است.» با توجه به تقدس مکان و حس گذشت که در موارد مشابه به ندرت فراموش شده این اظهار تا اندازه‌ای تکان دهنده است ولی زیبایی احساس انگیز اطاق کافی است که برای امیر معمار رقت، بخشش و حق شناسی ایجاد کند. رواق حاتم خان بین رواق الله وردی خان و خود حرم قرار دارد. این بنای مستطیل شکل که به شکل راهرو می‌باشد طاقی دارد و با دالبرهای مقرنس که همه از کاشی معرق پوشیده شده که اگر از سایر اجزاء این بنا زیباتر نباشد حداقل به اندازه‌ی بقیه‌ی از زیبایی برخوردار است. زیبایی فوق العاده طرحهای هندسی گل و گیاه که به صورت شش پرهایی آویخته است و توده‌های ابر کوچک نامنظم و سپرهای زیبا همگی یادگار و معیاری از طراحی قرن شانزدهم به شمار می‌آید. شاید این بنا بلافاصله بعد از اینکه شاه عباس مشهد را تصرف کرد شروع شده باشد ۱۵۹۷. م (۱۰۰۶. ه). سبک رواق حاتم از تبریز ملهم است همان طور که سبک رواق الله وردی خان از اصفهان الهام گرفته و از حاتم بیک باید انتظار داشت که هنرمندان تبریز را به خدمت گیرد زیرا او منتسب به خانواده‌ای بود که در آذربایجان مقامی بالا داشت. اخیراً در کاشیهای رنگ شده تعمیراتی به عمل آمده است. مکان مقدس دیگری که آخرین اثر را باقی می‌گذارد و وسیله ناصرالدین شاه تزئین شده بنایی است که بر اثر آئینه‌های فراوان و تراکم پر نور شده و هر چند در هنگام شب فریبنده است ولی در روز اندکی تجملی و فریبا به نظر می‌رسد و نمونه‌ای است از کارهای قاجاریه و به طور کلی نامتناسب و بچگانه به طوری که هر موفقیتی که حاصل می‌شود تحت شرایط متملقانه فراموش می‌گردد تا این که مجدداً با یک آذین افسانه‌ای به یاد آید و آن وقتی است که آئینه اثر جادوی مخصوصی داشته باشد. بالاتر از این انبوه ابنیه که مخلوق دین داری شدید در طی قرون است گنبدی قرار دارد که بر روی آن پیامی نقش است که به منزله هشدار برای زائرین تهییج شده است ولی آیا آنان باز می‌ایستند که آن پیام که مقامی والا دارد بخوانند؟ و چنین است آن پیام: به زیر گنبد خضرا چنان توان بودن که اقتضای قضاها گنبد خضراست برین مقرنس مینا نوشته‌اند به زر که بر مدار و ثبات فلک، امید خطاست ز بعد حسن عمل هر چه ز آدمی ماند در این سرای غرور ای رفیق باد هواست [این سه بیت از کتیبه‌ای است متعلق به گنبد جنوبی مدرسه دو در که اصل آن شش بیت است و مرحوم صنیع الدوله در جلد دوم مطلع الشمس (ص ۲۵۶) تمام آن را نقل کرده است. اصل آن از قصیده‌ای است از انوری در مدح ابوالفتح طاهر به مطلع: اگر مَحْوَل حال جهانیان نه قضاست چرا مجاری احوال بر خلاف رضاست.]

پاورقی

[۱] سن برنارد کشیشی بوده که بیت المقدس را زیارت کرده و تحت تأثیر آن قصیده‌ای ساخته که به نام «رویای سن برنارد از بیت

المقدس طلایی» مشهور شده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

